



گفت و گو با ناصر زرجام خواننده مردمی هرمزگان

## نظر کرده سید حاضر

گفتگو: عباس رفیعی

**ناصر زرجام:** هنر والا پیامدار است و موسیقی اگر در خدمت آرمانهای بشر نباشد موسیقی نیست هنرمندی که گوهر والای هنرش را به پای محافل و شب نشینی ها و چمک می ریزد از درد انسان غافل است و هنرش را مجانی در اختیار صاحبان زر و ریال ریخته است. تفاوت است بین ابراهیم منصفی رامی کبیر با شاعر سبیل کلفت کوتاه قد که نان به نرخ روز خورد و صاحب ضیاع و عقار گردید و بر شانه های بچه های بندر شاعر ملی شد تفاوت است بین خواننده ای که دلم تنگ شده برات جونم می خواند با آوازخوانی که درد مشترک انسان می گوید

**ندای هرمزگان:** دلیل محبوبیت رامی در نزد مردم بندرعباس چیست؟

**ناصر زرجام:** به قول دوست شاعرم به تعبیری شاعرانه صلابت رامی در این کلام (در حنجره ات پنجه عقابی است بر آرشه آتش) به طور کامل و تمام بیان نموده است. رامی قدرتش در تفاوتش است زمانی که ترانه های بندتنبانی بندری در مرزهای هرمزگان گرفتار می شدند وی به موسیقی و آواز بندری فخامت داد و از احساس های زودگذر و سطحی و نیازهای زیر شکمی فراتر برد. همان زمان جایی برای او و امثال اوئی نظیر حسن کرمی نبود که در این وانفسای روزگار متاع هنر به پیشیزی نخرند.

**ندای هرمزگان:** موسیقی هرمزگان موسیقی شاخص است دلیل این تشخیص چیست؟

**ناصر زرجام:** می گویند حاصل ازدواج دو نژاد دور بچه هایست سالم و با قدرت حالا این اتفاق برای موسیقی هرمزگان افتاده است موسیقی هرمزگان بر پایه ریتم و ملودی استوار است عناصر تشکیل دهنده این موسیقی شامل سه ساز عمده است سه ساز ضربی دهل، کسر و پی پیه، دهل حاصل مروده و حضور هندیان در بندرعباس، کسر سوغاتی عربی و پی پیه از سرزمین سیاهان آفریقاست. عناصر تلفیقی از سه گوشه دنیا باعث این تشخیص شده اند.

**ندای هرمزگان:** جایگاه ریتم در موسیقی بندری کجاست؟

**ناصر زرجام:** ریتم اساس موسیقی بندری است حسن ریتم بندری لنگ بودن آن است ریتم لنگ ریتمی است که سکوت داشته باشد و به صورت ضد ضربه آگاهانه باشد. شاید از سوی بسیاری این موضوع ضعف تلقی شود اما وقتی تلفیق با ریتم های دیگر می شود حالت تمایز و تشخیص و استقلال به خود می گیرد و این موضوع سبب فخامت موسیقی اصیل بندری است.

...ادامه در صفحه بعد

و رضوان در کنار قدمگاهی موسوم به (سید حاضر) دیوانه سر تقاضای بازگشت فرزندش را از قدوم خضر مبارک پی می خواهد مادر با نذر و نیاز دوباره آستن می شود عطش و تلواسه پسر پرده رویش را در وجود پسری دیگر به نام (ناصر) می بیند.

و هر ساله پسرش پیاده به سمت سید حاضر می برد و برای ادای دینش (نان پوش) می کند. در این بین سید حاضر خادمه ای دارد که در لفظ مردم آن دیار (مرود) نامیده می شود که در رجعت به آینده مادر معنوی ناصر می شود.

**ندای هرمزگان:** و این صدا از کجا به ابعاد وجودی تو اضافه شد؟

**ناصر زرجام:** من بر این باورم که هیچ حادثه ای در این دنیا هستی بدعتا حاصل نمی شود و هر پیامدی محصول حادثه ای دیگر است من در روستایی دور دست در کیلومترها دورتر از مهد تمدن در بدویتی رها به زندگی با زمین و آسمان و نبات مشغول بودم اما این آتش دیرپا چرا جان نژند مرا گرفت من معتقد به پیامم و پیامبری، آنجا که رابیندرانات تاگور می گوید: هر انسان که زاده می شود نشان آن است که خدا هنوز به ذات پاک آدمی با اینهمه فسق و فجور بر روی زمین امیدوار است و رسالت من از طریق صدا بود.

**ندای هرمزگان:** موسیقی و کلام همیشه ایام برای بشر اعجاز انگیز بوده و هست و قدرتی که در این دو است در مهلک ترین اسلحه ها نیست هم از بعد تخریب و هم از بعد آبادانی، به نظر تو چگونه صدا و کلام و در واپسین سخن موسیقی این قدرت را دارا شدند؟

**ناصر زرجام:** باورمندم به این موضوع که در آغاز کلمه بود و لاغیر، کلمه و سخنوری اساس صدا و صوت است و این صداست که تنها می ماند. شتکهای ترنم موسیقی و صوت بر جان آدمی و زخمه های ساز بر روان انسان بر کسی پوشیده نیست. زبان ابزار صوت است و صوت با گذر از پرده های دیافراگم و حجاب الحاجز به سمت تارهای صوتی می آید و هر انسان بر اساس قابلیت و فیزیک و ساختار صوتی صدا تولید می کند. انسانی که حرفی برای گفتن دارد و حنجره ای برای فریاد، موسیقی را گزینش می کند و تاثیر کلام بر آدمی فراوان است.

**ندای هرمزگان:** جنابعالی قائل به تقسیم بندی موسیقی فخم و موسیقی مبتذل و لهو و لعبی هستید پیر امون این دو مطلب توضیح دهید؟

دستی درون موهای بلند مجعدش برد. سیگاری گیراند، سیگار را بین انگشت سبابه و شست گرفت و با ولع پک زد و دود غلیظی از دهانش خارج کرد در آستانه چهل سالگی با صفای کودکانه از نامردمی ها گذشت می کرد با رقت قلب فراوان گفت: چه فایده حالا دیگه گفتن از رییس انجمن موسیقی مثل خیزران زدن به تن میته! من گذشتم! آن که قضاوت میکند از پس کاروان می آید! چشمانش دور دست و زمان از دست رفته را واکاو می کرد. (ناصر زرجام) به صفا و زلالی آب روان است. خواننده ای که حقش بیشتر از عرصه کاست در فضای مجازی است. تولد و زندگی ناصر شبیه قهرمان قصه اهل غرق منیرو روانی پور است. والحق که معجزه و اسطوره در جنوب جغرافیایی اتفاق می افتد جایی که آسمان و دریا و نخل به شروه های مرد دریا و چوک بی کلک خالصانه گوش فرا می دهند و پریان دریایی جانیشان را در نی لبک که نه! در زمزمه های مرد ساحل فرو می گذارند دید ناصر دید اسطوره ای است زاویه ای که با آن زمین و هستی و باشنده گان به وحدت ازلی با خالق می رسند و این نگاه، خاص ناصر است او قبل از اینکه خواننده و شاعر باشد عارف است به بهانه عرضه آلبوم جدیدش (بی جواب) که شاید ماینفستی به پرسشهای بی جواب خلقت و هستی و زندگانی است با او به گفتگو نشسته ایم باشد که چه در نظر آید و چه قبول افتد.

**ندای هرمزگان:** نگاه تو به جهان خلقت نگاهی اسطوره ای است ریشه ای این میتولوژی در کجاست؟

**ناصر زرجام:** جهان بر پایه اسطوره است ابهام و حیرت آدمی در کشف جهان و نرسیدن او به سرچشمه خوشبختی انسان متحیر را به سمت میتولوژی می کشاند و هر انسان تاریخ خود را داراست زاده شدن من، حاصل عشق زنی است به مردی که قریحه صدایش زبانزد روستازادگان رضوانی است آن پس که زن پسر ۴ ساله پرده رویش را از دست می دهد و بر اساس باور اهالی پرده رو انسانی است که قدرت پیشگویی دارد و از رزق و روزی فراوانی برخوردار، با پرده ای بر صورت پا به گیتی می گذارد و این پرده ضامن حیات اوست اما سعایت کنندگان و حاسدان باید از این راز بی خبر باشند وگرنه (پرده رو) محکوم به زوال می شود. مادر این قدرت را پنهان می کند سیل خوشبختی به سوی خانه روان است اما با تلنگری شمع وجود برادر خاموش می شود و مادر شیدا سر به کوه و بیابان می گذارد و در بیابانهای سرزه